

مطالعه‌ی جامعه‌شناختی آزار جنسی زنان در محیط کار

سهیلا صادقی‌فسائی*، مهسا رجب‌لاریجانی**

چکیده: امروز، آزار جنسی زنان در محیط کار و فقدان امنیت روانی آنان، بحث سلامت محیط کار را به چالش کشانده است و این مسئله در بسیاری از کشورها وجود دارد. دیدگاه غالب جامعه مجرم‌انگاری قربانی و مقصر دانستن او در بروز چنین جرائمی می‌باشد. مقاله‌ی حاضر، که مبتنی بر یک تحقیق کیفی و با استفاده از مصاحبه‌های عمیق با سی زن شاغل ۲۲ تا ۳۲ ساله در شهر تهران بدست آمده است، به مطالعه، تجربه‌ی آزار جنسی زنان در محیط کار و نگرش آنان در این خصوص می‌پردازد. مصاحبه‌های عمیق، امکان دست‌یابی به یک الگوی فرضی از مجرمان و قربانیان را میسر می‌سازد، اما نویسندگان به‌علت محدودیت‌های روشی قصد ندارند یافته‌های خود را به جامعه‌ی آماری تعمیم دهند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که آزار جنسی زنان در محیط کار امری فراگیر و یک مسئله‌ی مهم اجتماعی است و قربانیان کمترین نقش را در بروز این مسئله داشته‌اند. فقدان تعادل قدرت میان مجرم و قربانی، نگرش مردسالار جامعه، فقدان نظارت بر بعضی از بخش‌های کاری مثل بخش خصوصی، مقصر دانستن زنان شاغل، از علل عمده‌ای است که منجر به آزار جنسی زنان در محیط کار می‌شود.

واژه‌های کلیدی: آزار جنسی، مجرم‌انگاری قربانی، فقدان تعادل قدرت.

مقدمه و طرح مسئله

آزار جنسی در محیط کار از مصادیق خشونت علیه زنان است که امروز با افزایش روزافزون زنان شاغل و درگیری آنان در فعالیت‌های اجتماعی از اهمیتی ویژه برخوردار است. نابرابری جنسیتی و بعضاً خشونت علیه زنان در محیط‌های کار به شیوه‌های مختلف اعمال می‌شود و معمولاً زنانی که از دست‌مزد و پایگاه شغلی پایین‌تری برخوردارند و با محدودیت‌های انتخاب شغل مواجه هستند، بیشتر تحت تأثیر قرار می‌گیرند (مکینان، ۱۹۷۹؛ اسکفر، ۱۹۸۹؛ هارالامبوس و هالبورن، ۲۰۰۰؛ به نقل از نواح^۱، ۲۰۰۸: ۱۲۳).

s_sadeghi@yahoo.com

larijani@ut.ac.ir

* عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

** دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۱۲/۲۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۰۷/۱۹

1. Mackinon; Schaefer; Haralambos & Holborn; Noah

تا زمانی که نابرابری جنسیتی در جوامع بشری پافشاری می‌کند، صحبت کردن در مورد آزار جنسی در محیط کار و آسیب‌ها و مشکلات آن توجه کمتری را به خود جلب می‌کند زیرا از یک طرف ساختارهای‌های فرهنگی - اجتماعی موجود حاکمیت دیدگاه مردسالار را تقویت می‌کنند و از طرف دیگر، قربانیان آزار جنسی تمایلی به بیان مشکلات محیط کارشان را ندارند و هرگونه صحبت آزادانه یا حتی توضیح دادن در مورد تجربه‌ی آزار را رد می‌کنند (نواج، ۲۰۰۸: ۱۲۲). اما توجه کمتر و در نتیجه، پنهان ماندن این مسئله از اهمیت موضوع نمی‌گاهد، بلکه حساسیت نسبت به مسئله را بیشتر کرده است و لزوم اقدام عملی به منظور کاهش قربانیان آزار جنسی را دوچندان می‌کند.

احساس ناامنی در محیط کار و تبعیضات غیرمنصفانه‌ی کاری که از سوی آزاردهندگان اعمال می‌شود و ناشی از تن دادن یا ندادن به روابط جنسی است، مشکلات بسیاری اعم از روحی، روانی و جسمی را برای زنان به همراه دارد. «آزار جنسی به صورت منفی بر سلامت روانی تأثیرگذار است که نمونه‌ی آن افسردگی، اضطراب و خشونت است» (ریچمن، فلاحتی، راس پندا و کریستن سن، ۱۹۹۲؛ به نقل از شنون و دیگران^۲، ۲۰۰۶: ۱۱۷۹).

در این صورت آزار جنسی، زنان را از تحقق توان بالقوه‌شان باز می‌دارد تا جایی که بسیاری از آنان در چنین شرایطی ترجیح می‌دهند محیط کار خود را ترک کنند، اما تجربه‌ی ناخوشایند محیط کاری تا مدت‌ها ذهن آن‌ها را درگیر می‌سازد. با توجه به اهمیت موضوع، در ایران تاکنون به‌طور جدی به این مسئله پرداخته نشده است و در مورد میزان و نحوه‌ی آزار جنسی، نوع محیط‌هایی که این مسائل رخ می‌دهند، نوع برخورد زنان با این موضوع و ... اطلاعات زیادی در دسترس نیست. «تنها در جزوه‌ای که در سال ۱۳۸۲ به کوشش کمیته‌ی جمع‌آوری اسناد و گزارش‌های ستاد مبارزه با «خشونت علیه زنان» در ایران منتشر شد، بدون ذکر آمار به رواج گسترده‌ی آزار جنسی زنان در محیط‌های کاری ایران اشاره شده است. زنان مورد مطالعه در این گزارش نه تنها منکر وجود آزار جنسی در محیط کاری نشدند، بلکه یا خود گرفتار چنین رفتارهایی شده بودند یا از نزدیک شاهد آن بوده‌اند» (به نقل از دوستی، صیادی‌فر؛ نشریه اعتماد: ۱۳۸۵/۰۱/۱۶).

پژوهش‌های اکتشافی محققان اجتماعی می‌تواند پویایی درونی این پدیده، نحوه‌ی ادراک و چگونگی بروز و ظهور آن را آشکار سازد. بدین منظور در این نوشتار قصد داریم تا به سؤال‌های اساسی در این زمینه بپردازیم و ابعاد بیشتری از این مسئله را در حد توان این پژوهش روشن کنیم.

2. Richman & Flahety & Rospenda & Christensen; Shannon

مبانی نظری

پیشینه‌ی تجربی موضوع

نگاهی به مطالعات ایران: آزار جنسی در محیط کار از موضوعاتی است که سابقه‌ی تحقیقی زیادی در ایران ندارد و به‌طور کلی می‌توان گفت که موضوعات جنسیتی در طول ده سال اخیر توجه محققان علوم اجتماعی را به‌خود جلب کرده است. اگرچه در سال‌های اخیر مطالعات زیادی در خصوص «خشونت علیه زنان» صورت گرفته است (اعزاز، ۱۳۸۱؛ قاضی طباطبایی و دیگران، ۱۳۸۲؛ اعظم‌آزاده و دهقان‌فرد، ۱۳۸۵؛ صادقی‌فسائی، ۱۳۸۷)، اما به موضوع آزار جنسی در محیط کار به‌طور جدی و همه‌جانبه پرداخته نشده است. لذا بسیاری از محققان اذعان می‌کنند که این حوزه از مطالعات هنوز در دوران کودکی به‌سر می‌برد و هر تحقیقی در این زمینه می‌تواند به رشد ادبیات نظری موجود کمک کند. اسحاقی (۱۳۸۲) به توصیف اجمالی آزار جنسی و تبیین احکام فقهی و مجازات‌های مقرر در قانون علیه آن می‌پردازد و راه‌کارهای پیشنهادی خود را به‌منظور کارآمدتر شدن قوانین حقوقی فهرست می‌کند. اسماعیلی‌نسب (۱۳۸۶)، تاج محمدی (۱۳۸۶)، دوستی و صیادی (۱۳۸۵) در مقالات خود به تعریف آزار جنسی و گزارش‌های زنان در این خصوص می‌پردازند، در نهایت چاره‌ی کار را وضع قوانین مشخص، اطلاع‌رسانی و آموزش مهارت‌های مقابله‌ای و اجتماعی می‌دانند.

لازم به ذکر است که مروری بر ادبیات موجود در ایران نشان می‌دهد که تاکنون پژوهشی در خصوص آزار جنسی صورت نگرفته است و تنها مقالاتی درباره‌ی موضوع مورد نظر وجود دارد، بنابراین این حوزه نیازمند تحقیقات جدی اعم از کیفی و کمی است. لذا گام بعدی برای تکمیل مقالات موجود و دسترسی به اطلاعات غنی‌تر، مراجعه به زنان شاغل و شنیدن تجربه‌ی زیسته‌ی آنان در خصوص آزار جنسی است.

مطالعات کشورهای دیگر: موضوع آزار جنسی زنان در محیط‌های کاری از سال‌های ۱۹۷۰ به بعد مورد توجه دانش‌پژوهان غربی قرار گرفته است و تحقیقات کمی و کیفی بسیاری در این خصوص صورت گرفته است (مارتین، ۱۹۸۹؛ کاروتن و گرال، ۱۹۸۴؛ کافمن و وایلی، ۱۹۸۳؛ گلبرو تورپ، ۱۹۸۶؛ منسفیلد و دیگران، ۱۹۹۱). علاوه بر کشورهای غربی، در سایر کشورها نیز بحث خشونت و آزار جنسی علیه زنان از اهمیتی خاص برخوردار است. برای مثال؛ یکی از مطالعاتی که در پیش‌برد پژوهش حاضر به ما کمک می‌کند تحقیقی در نیجریه درباره‌ی مطالعه‌ی آزار جنسی زنان در محیط کار نوشته‌ی نواح (۲۰۰۸) است. نتایج این مطالعات نشان

3. Martin; Carothern & Grull; Kaufman & Wyhlie; Glaser & Thorpe; Mansfield

می‌دهد که اکثر پاسخ‌گویان تجربه‌ی آزار جنسی از سوی رئیس‌ها و کارمندان سطوح بالاتر از خود را داشته‌اند. این تجربه‌ها شامل اغوای کارمند با هدف رابطه نامشروع، تهدید برای رابطه و نیز ژست‌های مرتبط با آن است. بیشتر پاسخ‌گویان ترجیح می‌دهند که از سوءاستفاده‌گر دوری کنند و آزار جنسی را گزارش نکنند. راه‌کار محقق برای کاهش این امر؛ مجازات متخلف از سوی مدیر، حمایت قانون از زنان شاغل و ایجاد سازمان‌های مردم‌نهاد به‌منظور تبیین مشکلات زنان است (نواح، ۲۰۰۸).

در پژوهشی رابطه‌ی میان آزار جنسی و آزار عمومی^۴ و میزان استفاده از خدمات قانونی، پزشکی، روان‌پزشکی، مذهبی و خدمات مرتبط با کار را در میان شاغلان مرد و زن امریکایی آزموده است. نتایج نشان می‌دهند که میزان استفاده از خدمات سلامت جسمی و روانی در زنان بیشتر از مردان بوده است. نکته‌ی دیگر این‌که آزارهای جنسی شدید احتمال استفاده از خدمات را بالا می‌برد. در مواجهه با آزارها نیز، مردان به‌شدت آسیب‌دیده کمتر از زنان احتمال داشت که از خدمات روان‌شناسی استفاده کنند. بنابراین جنسیت نقشی عمده در استفاده از خدمات دارد. آنچه از پژوهش‌های انجام‌شده در کشور نیجریه و آمریکا به دست آوردیم این است که تجربه‌ی کشورهای درحال توسعه مثل نیجریه به کشور ما بسیار نزدیک است و نشان می‌دهد که ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه، نوع نگاه افراد به مسئله‌ی آزار جنسی، حمایت قانونی از قربانیان و همچنین وضعیت اقتصادی کارمندان، همه بر مسئله‌ی آزار جنسی و کمیت و کیفیت آن تأثیرگذار است.

ملاحظات نظری و تعریف مفاهیم رهیافت قربانی‌شناسی و پدیده‌ی آزار جنسی

در مطالعات کیفی معمولاً به‌دلیل اکتشافی بودن تحقیق، از ادبیات نظری خاصی پیروی نمی‌شود و فرضیه‌های خاصی وجود ندارد، بلکه در فرایند تحقیق و از درون مصاحبه‌ها می‌توان به فرضیه‌هایی دست پیدا کرد. فقدان فرضیه‌های خاص و مشخص در ابتدای تحقیق به‌معنای فقدان دغدغه‌ی نظری نیست. در این‌جا به بیان روی کردها و نظریه‌هایی می‌پردازیم که به نظر می‌رسد با موضوع مورد مطالعه‌ی بیشتر هم‌خوانی دارد، اما ذکر این نکته ضروری است که دیدگاه‌های نظری موجود به این عنوان که فرضیه‌ها از آن استخراج شده‌اند - به هیچ وجه مورد استفاده قرار نگرفته است، اما در تجزیه و تحلیل داده‌ها به‌عنوان مرجعی برای استناد و پشتوانه‌ی تحقیق مورد توجه و ارزیابی واقع شده‌اند.

4. General Harassment

یکی از روی‌کردهای نوین در مطالعات جرم‌شناسی اجتماعی، قربانی‌شناسی است. بر خلاف جرم‌شناسی متقدم که عمدتاً مجرم‌محور بوده و همواره سعی در یافتن انگیزه‌های مجرمان داشته است، جرم‌شناسی متأخر بر قربانیان و علل قربانی شدن آن‌ها تأکید می‌کند. قربانی‌شناسی عمدتاً مفهوم قربانی و مواردی از قبیل سبک زندگی روزمره‌ی فرد و الگوهای آن‌را مطالعه می‌کند که زمینه‌هایی را برای آسیب‌پذیری بیشتر برخی افراد فراهم می‌کند. در این روی‌کرد نوین، علل قربانی شدن از جمله علل نهادین فرهنگی، ساختی و تبعات قربانی شدن و نیاز قربانیان مطالعه می‌شود. جرم‌شناسی متأخر، به جایگاه قربانیان در سیستم عدالت کیفری و رابطه‌ی جلوگیری از جرم و قربانی‌شناسی توجه می‌کند (صادقی، ۱۳۸۶).

ریسکن و پاداویک^۵ (۱۹۹۴) معتقدند که فشارهای جنسی در محیط کار از سوی کسانی اعمال می‌شود که در موقعیتی بالاتر قرار گرفته‌اند و زنان بیشتر از مردان احتمال دارد که آماج آزارهای جنسی قرار بگیرند. آنان معتقدند که نابرابری در قدرت، آزار جنسی را تسهیل می‌کند و تحت تأثیر قرار می‌دهد، زیرا مردان در محیط کار موقعیتی برتر را اشغال می‌کنند و آزار جنسی برای مردان سوءاستفاده‌گر پدیده‌ای بسیار عادی است (به نقل از نواج، ۲۰۰۸: ۱۲۲).

استانکو^۶ (۱۹۸۸) نیز بر این موضوع تأکید می‌کند که آزار جنسی از سوی مردان با قدرتِ آنان درون سازمان‌ها پشتیبانی می‌شود زیرا عموماً مردان در پایگاهی بالاتر از زنان قرار دارند و می‌توانند هر طور که دوست دارند زنان را اخراج یا استخدام کنند. این مردان حتی می‌توانند زنانی را که نسبت به آزار جنسی شکایت می‌کنند، مجازات شغلی کنند (همان: ۱۲۲). ادکینز^۷ (۱۹۹۵) نیز تجربه‌های متفاوت زنان و مردان در بازار کار را براساس جنس‌شان توضیح می‌دهد. این تئوری، مرکزیت روابط جنسی در محیط کار را به‌عنوان یک فاکتور در تجربه‌های کاری زنان در نظر می‌گیرد (همان: ۱۲۴). امروز بسیاری از محققان فمینیست آزار جنسی را شکلی از خشونت مردان علیه زنان در نظر می‌گیرند. استفاده از خشونت یا تهدید به خشونت توسط مردان، زنان را از حرکت متوقف می‌کند و به زنان فرصت چالش با سلطه‌ی مردانه را در جامعه نمی‌دهد. در مفهوم وسیع‌تر، فمینیست‌ها خشونت جنسی را ابزار تقویت قدرت مردانه می‌دانند (راسل، ۱۹۸۴؛ شفلد، ۱۹۸۷؛ والبی^۸، ۱۹۸۶).

5. Reskin & Padavic

6. Stanko

7. Adkins

8. Russell; Sheffield; Walby

مفهوم آزار جنسی و مصداق‌های آن: آزار جنسی؛ تحمیل تقاضای جنسی بر فرد، بدون در نظر گرفتن رضایت او است و این امر در متنی رخ می‌دهد که مناسبات قدرت نابرابر است (اندرسون^۹، ۱۹۹۸: ۲۳۴). بر طبق نظر استانکو (۱۹۸۸) آزار جنسی توجه جنسی ناخواسته است و اشکال رفتاری متنوعی دارد که از راه چشم (نگاه هیز)، لفظی (جوک‌ها، سؤال‌ها یا اظهارنظرها با مضمون جنسی) فشار ناخواسته برای قرار ملاقات، لمس ناخواسته، فشار ناخواسته برای موافقت با رابطه‌ی جنسی با استفاده از تهدیدهای مرتبط با کار صورت می‌پذیرد. در تحقیقاتی که در برخی کشورهای غربی از جمله آمریکا صورت گرفته است دو نوع آزار جنسی قابل تفکیک است؛ آزار جنسی «پاداشی»^{۱۰} که در آن سرپرست یا رئیس تقاضای جنسی را با قول موقعیت شغلی بهتر یا منافع بیشتر به کارمند زن مطرح می‌کند و دیگری، آزارهای جنسی «خصمانه» است که در آن الگوی گفتار جنسی و محیط کار شهوانی، کارمندان زن را به شدت معذب و محیط کاری را برای آن‌ها تحمل‌ناپذیر می‌کند (ریسکن و پاداویک، ۱۹۹۴؛ به نقل از نواح، ۲۰۰۸: ۱۲۳).

کمیسیون «فرصت‌های برابر شغلی» ایالات متحده^{۱۱} تعریفی از آزار جنسی ارائه داده است که در بیشتر موارد به آن استناد می‌شود و بر اساس آن مزاحمت جنسی عبارت از: «روابط جنسی ناخوشایند اعم از برخورد‌های کلامی یا فیزیکی که علی‌رغم وجود زمینه‌های مشروع، موجب ارتقای شغلی یا تهدید برای از دست دادن شغل زنان می‌شود» (تاج‌محمدی، سایت نصیر بوشهر: شماره ۳۲۶).

آزار جنسی را می‌توان تحت مقوله‌های زیر دسته‌بندی کرد:

- **آزارهای کلامی:** گفتن داستان‌ها، شوخی‌ها و طنزهای جنسی؛ پرسیدن سئوالاتی در مورد زندگی شخصی یا جنسی افرا؛ کنایه‌های جنسی در گفتار؛ اظهار نظر جنسی در مورد ظاهر و لباس و زیبایی زن؛ ارائه‌ی پیشنهاد یا دعوت جنسی ناخواسته؛ پیشنهاد برای ادامه‌ی ارتباط خارج از فضای کار.
- **آزارهای غیرکلامی:** نگاه‌های هیز و شهوت‌آلود، چشم‌چرانی، چشمک زدن؛ نشان دادن تصاویر نامناسب جنسی.
- **آزارهای فیزیکی:** لمس کردن ناجور و نامناسب بدن، دست و ... نوازش کردن؛ نزدیک شدن زیاد به زن در موقع کار؛ برخورد جنسی با زور.

9. Anderson

10. Quid Pro Que

11. EEOC

همان‌طور که ملاحظه می‌شود آزارهای جنسی طیفی وسیع از رفتارها را در بر می‌گیرد. حضور و ظهور این‌گونه رفتارها در محیط‌های کاری نه تنها به خصوصیات مجرمان، بلکه به شدت به منزلت قربانیان آزار جنسی نیز بستگی دارد. برای مثال؛ زنانی که از حمایت‌های اجتماعی کمتر یا از پایگاه شغلی پایین‌تر برخوردارند، بیشتر از سوی مردان مورد آزار جنسی قرار می‌گیرند.

مفهوم قربانی: در این تحقیق کسانی قربانی در نظر گرفته شده‌اند که مدت طولانی در محیط کار مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند. ۴۰ درصد از پاسخ‌گویان در این تحقیق گفته‌اند که به مدت طولانی در محیط کار مورد آزار قرار گرفته‌اند، لذا موارد جزئی که برای یک‌بار اتفاق افتاده، لحاظ نشده است (ملاک آزار جنسی تجربه‌ی حداقل دو مورد و حداکثر همه‌ی موارد ذکر شده در طبقه‌بندی مقوله‌های آزار جنسی است). نکته‌ی قابل توجه این است که ۶۰ درصد پاسخ‌گویان اظهار داشته‌اند که اگر چه خود قربانی آزار جنسی نبوده، اما شاهد آزار جنسی علیه دوستان و هم‌کاران و اطرافیان‌شان بوده‌اند و شیوع این پدیده در محیط‌های کاری برای آن‌ها کاملاً قابل درک است.

مفهوم تجاوز^{۱۲} و تفاوت آن با آزار جنسی: تجاوز جنسی به معنای استفاده از زور و خشونت و تحمیل خواسته‌های جنسی به طرف مقابل است. وجه ممیز تجاوز و آزار نیز تعرض به حریم خصوصی بدون هیچ‌گونه رضایت و همراه با زور است.

روش تحقیق

روش‌شناسی: تلاشی بر گزینش روش‌های کیفی

معمولاً موضوعاتی چون آزار جنسی یا خشونت علیه زنان با حساسیت اجتماعی هم‌راه است لذا تحقیق در این حوزه از دشواری‌های خاص خود برخوردار است و از آن‌جا که چنین موضوعاتی کمتر مورد بحث قرار گرفته‌اند، منابع زیادی برای ارجاع وجود ندارد و به نظر می‌رسد که کارهای پیمایشی در این زمینه نتواند تصویری همه‌جانبه و عمیق ارائه کند. از این رو پژوهش کیفی به‌عنوان یک راه اکتشافی می‌تواند اطلاعاتی غنی برای محققان فراهم سازد. با استفاده از تحقیق کیفی می‌توان پیچیدگی مسئله‌های اجتماعی را شناسایی کرد و از شرایط تصنعی و غیرواقعی فاصله گرفت (مارشال و راسمن، ۱۳۷۷: ۲۱۸). استفاده از

¹². Rape

روش کیفی درباره‌ی آزار جنسی کمک می‌کند تا چندوجهی و چندبعدی بودن مسئله و همین‌طور پویایی آن را پیدا کنیم.

جامعه‌ی مورد مطالعه و نمونه‌گیری: جامعه‌ی مورد مطالعه در این پژوهش، زنان شاغل شهر تهران است که محدوده‌ی سنی آن‌ها بین ۲۲ تا ۳۲ سال قرار دارد. انتخاب این گروه سنی با این فرض صورت پذیرفته است که معمولاً گروه سنی جوان بیشتر در معرض آزار جنسی قرار دارند. معمولاً نمونه‌ی مورد مطالعه در تحقیقات کیفی کاملاً مشخص و از پیش تعیین شده نیست و حجم نمونه به شدت با سطح اشباع‌پذیری ارتباط دارد. به هر حال، نمونه‌گیری این تحقیق با توجه به ویژگی‌هایی چون نوع شغل، محل کار، سابقه‌ی کار، میزان حقوق و سطح تحصیلات صورت گرفته است. در این راستا درجه‌ای از انعطاف‌پذیری نیز لحاظ می‌شود زیرا ممکن است بعد از شروع کار، متغیرهای دیگری نیز به لحاظ اهمیت وارد تحقیق شوند. داده‌های این تحقیق بر اساس مصاحبه‌های عمیق با سی زن در مناطق مختلف تهران صورت پذیرفته که تصادفی در مکان‌های عمومی انتخاب شده‌اند. علاوه بر این، با توجه به مصاحبه‌های عمیق و اشاره‌ی زنان به تجربه‌های دوستان و هم‌کاران و هم‌چنین محیط کار قبلی خودشان، آنان تصویری جامع از محیط‌های کاری در اختیار ما قرار دادند. مصاحبه‌ها بین ۴۵ تا ۹۰ دقیقه به طول انجامیده است و نکته‌ی دیگر این که زمان انجام مصاحبه‌ها در ساعات اولیه‌ی صبح و ساعات پایانی کار شاغلان بوده است.

گردآوری داده‌ها: اطلاعات لازم برای این تحقیق با مصاحبه‌های عمیق و گفتگوی هم‌دلانه به دست آمده است و مصاحبه‌ها به صورت نیم‌ساخت‌یافته و با این هدف صورت گرفته که تجربه‌های زنان از زبان خودشان درک شود.

پرسش‌های تحقیق: با توجه به این که تحقیق حاضر یک تحقیق کیفی است و جنبه‌ی اکتشافی دارد، نظریات موجود یا فرضیه‌های خاصی که مستخرج از تئوری‌های موجود و مشتعل بر روابط معینی باشد اساس کار قرار نگرفته است، بلکه تحقیق درصدد پاسخ‌گویی به سؤال‌هایی مشخص از نحوه‌ی آزار جنسی زنان در محیط کار، چگونگی عکس‌العمل و پاسخ زنان نسبت به آن، مکان وقوع آزار، مجرمان و قربانیان و چرایی آزار جنسی در محیط کار است و در نهایت، رابطه‌ی متغیرهایی مثل تحصیلات، سن، وضعیت تأهل و درآمد و رابطه‌ی آن‌ها با وقوع آزار جنسی تحلیل می‌شود. هدف از این کار درک تجربه و تصور زنان نسبت به آزار جنسی بنا بر روایت خودشان است. اگرچه نویسندگان با توجه به ادبیات نظری

موضوع دارای طرح نظری بوده‌اند، اما به هیچ وجه قصد تحمیل آن‌را بر پاسخ‌گویان نداشته‌اند و کلیه‌ی اطلاعات به‌دست‌آمده یا روابط شناسایی‌شده بین متغیرها جنبه‌ی اکتشافی دارد. در مرحله‌ی تحلیل داده‌ها، ادبیات نظری موجود به‌عنوان چهارچوب‌های ارجاعی و انتقادی ملاحظه شده‌اند و هدف از طرح آن‌ها در این مقاله به همین دلیل است.

محدودیت‌های تحقیق: با توجه به ماهیت کیفی تحقیق و تعداد مصاحبه‌های محدود، محققان به هیچ وجه در صدد تعمیم یافته‌ها به جامعه‌ی بزرگ‌تر نیستند. بی‌تردید تحقیقات کیفی از این نظر که اکتشافی هستند می‌توانند فرضیه‌هایی غنی تولید کنند که اساس کارهای بزرگ‌تر قرار گیرند. نتایج این تحقیق از این جهت که تجربه‌ی زنان را به تصویر می‌کشد، قابل توجه و تأمل است.

یافته‌های تحقیق

براساس مصاحبه‌های عمیق صورت گرفته، داده‌ها در دو سطح توصیفی و تحلیلی به شرح زیر قابل ارائه می‌باشد:

یافته‌های توصیفی

ویژگی‌های اجتماعی - جمعیتی پاسخ‌گویان: زنان مصاحبه‌شده به لحاظ سنی در گروه ۲۲ تا ۳۲ سال قرار دارند و میانگین سنی پاسخ‌گویان ۲۴ سال است. ۱۰ نفر متأهل، ۱۹ نفر مجرد و ۱ نفر مطلقه هستند. به لحاظ تحصیلات؛ دیپلم (۸ نفر)، فوق دیپلم (۵ نفر)، لیسانس (۱۴ نفر) و فوق لیسانس و بالاتر (۳ نفر). ۳۴ نفر از این افراد در بخش خصوصی، ۵ نفر در بخش دولتی و ۱ نفر در بخش نیمه‌خصوصی کار می‌کنند. ۸ نفر از آنان جزو کارمندان پایین‌مرتبه^{۱۳}، ۱۶ نفر کارمند سطح متوسط^{۱۴} و ۶ نفر کارمند عالی‌رتبه^{۱۵} هستند (این تقسیم‌بندی صرفاً جنبه‌ی قراردادی دارد و بنا بر تصور خود زنان و عرف اجتماعی صورت پذیرفته است). ۱۵ نفر حقوق پایین (ماهانه بین ۲۹۹-۱۵۰ هزار تومان)، ۹ نفر حقوق متوسط (۴۹۹-۳۰۰ هزار تومان) و ۶ نفر حقوق بالا (۵۰۰ هزار تومان به بالا) دارند. در جدول زیر ویژگی‌های اجتماعی - جمعیتی

^{۱۳}. کارمندان پایین‌مرتبه: صندوق‌دار، خیاط، اپراتور، منشی، پذیرش، فروشنده.

^{۱۴}. کارمندان سطح متوسط: کارمند با تخصص کامپیوتر، تکنسین، متصدی مترجم، مددکار.

^{۱۵}. کارمندان عالی‌رتبه: مسئول، مدیر، سرپرست، کارشناس.

پاسخ‌گویان خلاصه شده است:

جدول (۱): ویژگی‌های اجتماعی - جمعیتی پاسخ‌گویان

تعداد	تعداد و درصد پاسخ‌گویان		
	متغیرهای زمینه‌ای		
۲۵	۲۶-۲۲ ساله	گروه‌های سنی	
	۵		۲۷-۳۲ ساله
۸	دیپلم	سطح تحصیلات	
	۵		فوق دیپلم
	۱۴		لیسانس
	۳		فوق لیسانس
۸	پایین‌مرتب	نوع شغل	
	۱۶		متوسط
	۶		بالا‌مرتب
۱۵	پایین	میزان درآمد	
	۹		متوسط
	۶		بالا

خصوصیات و ویژگی‌های قربانیان: اطلاعات زیر به‌منظور درک بهتر تجربه‌های قربانیان و تجزیه و تحلیل داده‌ها ذکر شده است. لازم به ذکر است که نویسندگان به هیچ وجه در صدد تعمیم نتایج خود به جامعه‌ی آماری نیستند:

از میان کل مصاحبه‌شوندگان ۱۲ نفر اظهار داشته‌اند که قربانی آزار جنسی بوده‌اند. از میان ۱۲ نفر؛ ۹ نفر مجرد، ۱ نفر مطلقه و ۲ نفر متأهل هستند. ۱۱ نفر از آنان در سنین ۲۲ تا ۲۶ سال و ۱ نفر در سن ۳۰ سال قرار دارند. قربانیان تحصیلات مختلفی اعم از دیپلم (۵ نفر)، فوق دیپلم (۲ نفر)، لیسانس (۳ نفر) و فوق لیسانس (۲ نفر) دارند و در مشاغل مختلفی اعم از منشی‌گری (۳ نفر)، خدماتی - مشاغل رده پایین^{۱۶} (۴ نفر)، رده‌ی میانی (۳ نفر) و در رده‌ی بالا (۱ نفر) مشغول به کار هستند. ۱۰ نفر از آن‌ها درآمد پایین، ۱ نفر درآمد متوسط و ۱ نفر درآمد بالا داشته‌اند. ۱۱ نفر در شرکت خصوصی تجربه‌ی آزار جنسی داشته‌اند و ۱ نفر در شرکت نیمه‌خصوصی. ۱۱ نفر از قربانیان در اولین تجربه‌ی کاری خود مورد آزار قرار

^{۱۶}. طبقه‌بندی مشاغل در قسمت مربوط به ویژگی‌های نمونه توضیح داده شده است.

گرفته‌اند و سابقه‌ی کاری قربانیان از ۲ هفته تا ۶ سال متغیر است. ویژگی‌های اجتماعی- جمعیتی قربانیان در جدول زیر خلاصه شده است:

جدول (۲): ویژگی‌های اجتماعی- جمعیتی قربانیان

تعداد	تعداد و درصد پاسخ‌گویان	
	متغیرهای زمینه‌ای	
۱۱	۲۲ تا ۲۶ ساله	گروه‌های سنی
	۲۷ تا ۳۲ ساله	
۵	دیپلم	تحصیلات
	فوق‌دیپلم	
	لیسانس	
	فوق‌لیسانس	
۹	مجرد	وضعیت تأهل
	متاهل	
	مطلقه	
۵	کمتر از ۱ سال	سابقه‌ی شفلی
	۱ تا ۲ سال	
	۲ تا ۳ سال	
	بالای ۳ سال	
۱۰	پایین	درآمد ^{۱۷}
	متوسط	
	بالا	

یافته‌های تحلیلی

در تحقیقات کیفی رابطه‌ای متقابل بین جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آن‌ها وجود دارد. به این معنا که تحلیل داده‌ها در تحقیق کیفی، یک مرحله‌ی جدا و مستقل نیست که بتوان آن‌را در یک فرصت مناسب، مثلاً بعد از جمع‌آوری داده‌ها، انجام داد. در تحقیقات کیفی، تحلیل داده‌ها از ابتدای تحقیق آغاز می‌شود و یک امر دائمی است که در طول تحقیق از مفهوم‌سازی گرفته تا تفسیر و نوشتن صورت می‌گیرد (سیلورمن^{۱۸}، ۲۰۰۰: ۱۳۷-۱۱۱۹).

بنابراین در تحقیق کیفی، تولید مفاهیم، مقوله‌ها و طرح و برنامه یک پروسه‌ی تعاملی است. به عبارت دیگر؛ جمع‌آوری داده‌ها و نظم عینی و تحلیل آن‌ها یک فرایند مرتبط به هم و مستمر است. نتایج تجزیه

^{۱۷} . طبقه‌بندی درآمد در قسمت مربوط به ویژگی‌های نمونه توضیح داده شده است.

و تحلیل مصاحبه‌های کیفی در این تحقیق نشان می‌دهد که متغیرهایی نظیر درآمد، نوع شغل، وضعیت تأهل و نوع محیط کار زنان (خصوصی، دولتی و نیمه‌دولتی) با آزار جنسی آن‌ها رابطه دارد. هم‌چنین تحقیق حاکی از آن است که بیشتر آزارهای درک‌شده توسط زنان، آزارهای کلامی و غیرکلامی است و آزارهای فیزیکی در مواردی محدود رخ می‌دهد. علاوه بر آن، هیچ‌یک از زنان پاسخگو مورد تجاوز جنسی واقع نشده‌اند. زنان به هنگام مقابله با آزار جنسی، بر اساس موقعیت و شرایطی که با آن مواجه می‌شوند، تمهیدات فردی و ساختاری متفاوتی را برمی‌گزینند. اما این تصور که ممکن است نگرش دیگران نسبت به آن‌ها منفی شود یا آن‌ها را سرزنش کنند، در عکس‌العمل احتمالی آنان تأثیرگذار است. در ذیل سعی شده است تا یافته‌های حاصل از این تحقیق به صورت طبقه‌بندی شده ارائه شود. پیش از ورود به تحلیل داده‌ها ذکر این نکته ضروری است که کلیه یافته‌ها جنبه‌ی اکتشافی و زمینه‌ای دارد و به هیچ وجه قابل تعمیم نیست اگرچه گاهی با چهارچوب‌های نظری موجود تطابق دارد.

رابطه‌ی متغیرهای زمینه‌ای و آزار جنسی

رابطه‌ی وضعیت تأهل و آزار جنسی: از میان قربانیان آزار جنسی ۹ نفر مجرد، ۱ نفر مطلقه و ۲ نفر متأهل هستند که بیشترین آزار جنسی در میان زنان مجرد اتفاق افتاده است. علاوه بر این، نگرش زنان نیز حاکی از آن است که مجردها و مطلقه‌ها بیشتر از متأهلان مورد آزار جنسی قرار می‌گیرند و با پیشنهادهای جنسی در محیط کارشان مواجه می‌شوند.

مریم^{۱۹} ۲۶ ساله، مجرد و کارمند شرکت خصوصی، می‌گوید:

«اگر مجرد باشی راحت بهت پیشنهاد میدن، چون امیدی برای گرفتن جواب مثبت از تو دارند، اما

اگر متأهل باشی جرأت نمی‌کنن چیزی بهت بگن».

سارا ۲۴ ساله، متأهل و کارمند شرکت خصوصی، می‌گوید:

«به نظر من این مردها اول سمت خانم‌های مطلقه می‌روند و بعد سراغ مجردها و در آخر متأهل‌ها.

چون متأهل که باشی کسی جرأت نمی‌کنه کاری کنه، چون زن یک پشتیبان دارد.»

اگرچه با توجه به تعداد مصاحبه‌ها نمی‌توان اظهار نظر قطعی انجام داد، اما به نظر می‌رسد که منزلت

تأهل با مسئله‌ی حمایت‌های اجتماعی و خانوادگی تقارب دارد و آزاردهندگان نیز به این واقفند و از طرفی،

در سیستم کیفری ایران آزار علیه زنان متأهل با جدیت بیشتری مورد پی‌گیری و برخورد قرار می‌گیرد. حال

^{۱۹}. اسامی نامبرده شده برای مصاحبه‌شوندگان غیر واقعی می‌باشد.

آن که در مورد زنان مجرد و مطلقه همواره این ابهام نابه‌جا وجود دارد که از طرف آن‌ها تمایلاتی وجود داشته است و در اغلب موارد به سرزنش و بی‌اعتباری آن‌ها می‌انجامد.

رابطه‌ی درآمد و سطح شغلی یا آزار جنسی: تحقیقات نشان می‌دهد زنانی که از درآمد پایینی برخوردارند بیشتر احتمال دارد که مورد آزار و سوءاستفاده‌ی جنسی قرار بگیرند. ۱۰ نفر از قربانیان پژوهش، درآمد پایین (ماهانه ۱۵۰ تا ۲۵۰ هزار تومان)، ۱ نفر از آن‌ها درآمد متوسط (۳۰۰ هزار تومان) و ۱ نفر از آن‌ها درآمد بالا (۷۰۰ هزار تومان) دارند. بیشتر زنانی که مورد آزار جنسی واقع شده‌اند در مشاغل رده‌پایین یا متوسط رو به پایین مشغول بوده‌اند. در واقع می‌توان به این فرضیه دست یافت که اغلب زنانی که مورد آزار جنسی قرار می‌گیرند در سطوح درآمدی و شغلی پایینی قرار دارند. این یافته‌ها با مطالعه‌ای که در سال ۲۰۰۸ توسط نواح در محیط کار زنان نیجریه صورت گرفته است نیز تطابق دارد. او این فرضیه را تأیید می‌کند که میان کادر شغلی زنان پاسخ‌گو و تجربه‌ی آزار جنسی آنان رابطه وجود دارد: «کارمندان زن در سطوح پایین شغلی اغلب به‌وسیله‌ی کارمندان سطوح بالاترشان هدف آزار جنسی قرار می‌گیرند.» (الوتی^{۲۰}، ۲۰۰۰؛ به نقل از نواح، ۲۰۰۸: ۱۲۴).

رابطه‌ی نوع محیط کار و آزار جنسی: از نظر اکثر پاسخ‌گویان، آزار جنسی بیشتر در محیط‌های خصوصی امکان بروز و ظهور دارد. علاوه بر آن، اکثر قربانیان آزار جنسی در این تحقیق (۱۱ نفر از ۱۲ نفر) در شرکت خصوصی مشغول به فعالیت بوده‌اند. بیشتر آزارهای تجربه شده در اتاق رییس یا کارمند زن اتفاق افتاده است. به نظر می‌رسد در بخش خصوصی به‌علت نظارت کمتر بر کارمندان، احتمال وقوع این جرایم بیشتر از محیط‌های کاری دولتی است. صادقی نیز در مطالعه‌ای که در سال ۱۹۹۶ بر روی مشاغل زنان و احتمال ارتکاب جرم در ایران انجام داد به این نتیجه رسید که فقدان نظارت صحیح بر بخش خصوصی، این بخش را در مقایسه با بخش دولتی نسبت به ارتکاب جرم و قربانی شدن آسیب‌پذیرتر می‌سازد (صادقی: ۱۹۹۶).

پاسخ‌گویان نیز عدم نظارت بر بخش خصوصی را در شکل‌گیری آزارهای جنسی مؤثر دانسته‌اند:

ساجده، ۲۴ ساله، مجرد، منشی بخش خصوصی می‌گوید:

«توی شرکت ما سه نفر بودیم، من و اون و پسرعموش که اکثر اوقات هم نبود. محیط ما خلوت بود.»

اعظم، ۲۶ ساله، مجرد و گزارش‌گر، می‌گوید:

«آزار جنسی بیشتر در محیط خصوصی اتفاق می‌افتد چون فضاها محدود و نظارت کمتر است و تعداد

افراد کمتری شاغل به کار هستند، اما در کار دولتی روابط افراد توسط رییس و دوربین‌ها کنترل می‌شود.

انواع آزارهای درک‌شده توسط زنان:

قربانیان، آزار جنسی در محیط کار را به صورت‌های مختلف تجربه کرده‌اند. گزارش زنان از آزار جنسی را می‌توان به سه دسته آزارهای کلامی، آزارهای غیرکلامی و آزارهای فیزیکی طبقه بندی کرد. لازم به ذکر است که بیشتر آزارهای زنان در طبقه‌ی آزارهای کلامی قرار می‌گیرد و فقط ۲ نفر از زنان به آزارهای فیزیکی اشاره کرده‌اند. در واقع، اگرچه آزارهای جنسی در محیط کار به وقوع می‌پیوندد، اما به نظر می‌رسد که پیشروی‌های جنسی وجود ندارد یا شاید زنان به‌علل مختلف از جمله ترس از دست دادن کار، آبرو یا مورد سرزنش واقع شدن و سایر هزینه‌های احتمالی، تمایلی به سخن گفتن در این باره نداشته باشند و در اغلب موارد با سکوت و انکار و حاشا کردن از کنار آن می‌گذرند.

آزارهای کلامی: مواردی چون تعریف و تمجید، قربان صدقه رفتن، ابراز علاقه، پیشنهاد دوستی و رابطه‌ی جنسی، صحبت درباره‌ی لذت جنسی، توضیح درباره‌ی رابطه‌ی جنسی، بیان جک‌های جنسی و زنده را در بر می‌گیرد.

آزارهای غیرکلامی: شامل نگاه هیز و خیره‌وار، نشان دادن عکس‌ها و تصاویر زشت و زنده‌ی جنسی است.

آزارهای فیزیکی: شامل گرفتن دست‌ها، لمس فیزیکی و در آغوش گرفتن ناگهانی است.

زینب، ۲۶ ساله، مجرد، حسابدار بخش خصوصی می‌گوید:

«اولین روزها می‌گفت: تو رو مدیر داخلی می‌کنم فقط با من ارتباط داشته باش. دائم قربون صدقم

می‌رفت و می‌گفت: می‌خوام خلأهام رو پر کنی.»

گلنار، ۲۴ ساله، مجرد، منشی بخش خصوصی می‌گوید:

«توی کامپیوتر من عکس‌های زشت می‌گذاشت. به من می‌گفت نظرت رو راجع بهش بهم بگو.

گاهی دستم را می‌گرفت. دائم پیامک می‌زد که دلم برات تنگ شده یا دوستت دارم.»

نحوه‌ی مقابله‌ی زنان با آزار جنسی:

این پژوهش نشان می‌دهد که قربانیان برای مقابله از روش‌های متعدد استفاده می‌کنند، اما بیشتر آنان تجربه‌شان را با دوری کردن و نادیده گرفتن رفتار ناخوشایند مدیریت می‌کنند و بر حمایت از طرف دوستان، خانواده و هم‌کاران تکیه می‌کنند (گرابر و اسمیت، کیسلی^{۲۱} و دیگران، ۱۹۹۴؛ به نقل از شنون و دیگران، ۲۰۰۶).

21. Gruber & Smith; Keashly

بر اساس مصاحبه‌های عمیقی که در این تحقیق صورت گرفته است، زنان در چنین مواقعی از استراتژی‌های متفاوتی بهره می‌جویند که در سه دسته‌ی مدارا، اعتراض و ترک محیط کار قابل دسته‌بندی هستند.

مدارا: زنان در موقعیت مدارا با سکوت، نادیده گرفتن و کوچک جلوه دادن موضوع، هیجانات منفی خود را کاهش می‌دهند و سعی می‌کنند به‌نوعی از فرد مزاحم دوری و شرایط را تحمل کنند.

اعتراض: در شیوه‌ی اعتراض، قربانی فرد مزاحم را مجبور به توقف رفتارش می‌کند و با صحبت‌های اعتراض‌آمیز، او را از کار زشتش مطلع می‌کند یا آزار جنسی را به مسئولان یا حراست اداره گزارش می‌دهد.

ترک محیط: در این شیوه قربانیان سعی می‌کنند بعد از وقوع آزار جنسی، محیط کار خود را ترک کنند. زنان در این‌گونه موارد، از دست دادن شغل و خارج شدن از محیط آسیب‌زا را بر ادامه‌ی کار ترجیح می‌دهند. بیشتر پاسخ‌گویان عکس‌العمل خود هنگام وقوع آزار را ترک محیط یا اعتراض اعلام کرده‌اند، اما در عمل قربانیان آزار جنسی به‌علت موقعیت و شرایطشان بیشتر شیوه‌ی مدارا را در پیش می‌گیرند زیرا زنانی که از آزارهای جنسی به‌شدت رنج می‌برند به‌علت ترس از تحقیر شدن یا اخراج شدن از شغل‌شان ساکت می‌مانند (الن و الن^{۲۲}، ۱۹۹۲). مرضیه، ۲۳ ساله، متأهل و کارمند بخش خصوصی می‌گوید:

«یک‌بار رفتم به حراست گفتم. گفتن مشخصاتش رو بده پی‌گیری می‌کنیم. بعد از ۳، ۴ ماه عذرش رو خواستند.»

فاطمه ۳۰ ساله، مطلقه و کارمند بخش خصوصی می‌گوید:

«توی این مسئله آبروی آدم درمیونه، باید سعی کنی خودت حل و فصلش کنی و اگر بخوای تو شرکت بمونی نباید چیزی بگی چون همه فکر می‌کنن تو مقصری و همه‌ی فیلش‌ها برمی‌گرده به سمت خانم‌ها.»

دلایل متعددی وجود دارد که موجب می‌شود زنان در برابر آزار جنسی، شیوه‌ی مدارا را در پیش بگیرند که از جمله این دلایل عبارتند از: ترس از اخراج شدن و از دست دادن شغل، ترس از برچسب خوردن و مقصر قلمداد شدن، ترس از سرزنش و سرکوفت، ترس از اعمال محدودیت از طرف خانواده.

علاوه بر این، بعضی از زنان برای مقابله با فشارهای روانی ناشی از آزار جنسی در محیط کار، از حمایت‌های خانواده، دوستان و هم‌کاران استفاده می‌کنند (شنون و هم‌کاران، ۲۰۰۶: ۱۱۷۸)، اما پاسخ‌گویان ما به‌علت ترس از سرزنش خانواده و دوستان‌شان این مسائل را پنهان می‌کنند. بی‌تردید

متغیرهایی چون سن، نوع شغل، میزان درآمد، وضعیت تأهل، نیاز فرد به شغل و واکنش اطرافیان، در نوع استراتژی‌های اتخاذشده از سوی زنان مؤثر است. بدیهی است که تبیین هر یک از این متغیرها و نوع استراتژی‌های شناسایی شده، در یک کار کمی قابل پی‌گیری است. از طرفی به نظر می‌رسد که استراتژی‌های مورد نظر زنان با محاسبه‌ی سود و زیان همراه است. به عبارتی «زنان در چنین شرایطی به این مسئله می‌اندیشند که چه چیزی را به دست می‌آورند و چه چیزی را از دست می‌دهند» (صادقی، ۱۳۸۷).

نابرابری قدرت و آزار جنسی:

زنان در طول تاریخ به علت جنسیت‌شان مورد تبعیض و خشونت واقع شده‌اند. مصادیق تبعیض و خشونت طیفی وسیع را در بر می‌گیرد که آزارهای جنسی یکی از آن‌هاست. خشونت علیه زنان همواره یک شیوه‌ی مشروع برای ابراز سلطه‌ی مردانه بوده است و به عبارتی، نوعی کنترل اجتماعی است که مستقیماً از ساخت جامعه‌ی مردسالار برمی‌خیزد. «اگرچه امروزه خشونت علیه زنان به‌طور عام و آزار جنسی به‌طور خاص قبیح شمرده می‌شود، اما با توجه به زمینه‌های تاریخی و سنتی که برای آن وجود دارد، هنوز از مشروعیت برخوردار است» (صادقی: ۱۳۸۷). تحقیقاتی که در زمینه‌ی آزار جنسی علیه زنان انجام شده، نشان می‌دهد که «آزار جنسی در زمینه‌ای تحقق می‌یابد که مناسبات قدرت به‌شدت نابرابر باشد و معمولاً این‌گونه خشونت‌ها و آزارها عاملی برای حفظ، نگهداری و بازتولید روابط نابرابر در جامعه است» (اندرسون: ۱۹۹۸). در بعضی موارد، اعمال فشار مجرم در خصوص رابطه‌ی جنسی داشتن با قربانی صرفاً با هدف کسب رضایت جنسی صورت نمی‌گیرد، بلکه هدف آزاردهنده تسلط برای اعمال قدرت بر دیگری است. جان گات من^{۲۳}، روان‌شناس دانشگاه واشنگتن، در این خصوص معتقد است: «آزاررسانی جنسی یکی از شیوه‌های مردان برای آسیب‌پذیر کردن زنان است» (الِن و اِلِن، ۱۹۹۲: ۶۷). بر اساس روایت زنان در این تحقیق، مجرمان دارای پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالاتری نسبت به آن‌ها و گاهی هم در سطوح بالای مدیریتی قرار داشته‌اند. شاید بتوان گفت که برتری اقتصادی و منزلتی مجرمان نه تنها ارتکاب جرم را برای آن‌ها ساده‌تر می‌کند، بلکه این امکان را نیز به آن‌ها می‌دهد که اعمال مجرمانه‌ی خود را زیر نقاب بیوشانند.

آزار جنسی در محیط کار می‌تواند به‌عنوان استفاده از اقتدار شغلی یا قدرت به‌منظور تحمیل خواسته‌های جنسی تعریف شود. بیشتر انواع آزار جنسی تا حدودی زیرکانه صورت می‌پذیرد و شامل

فهماندن این مطلب است که پذیرش خواهش‌های جنسی با پاداش همراه خواهد بود یا چنان‌چه این خواهش‌ها برآورده نشود، نوعی مجازات مانند جلوگیری از ترفیع در پی خواهد داشت (گیدنز، ۱۳۷۸: ۲۰۱).

مرد سالاری، نابرابری جنسیتی و آزار جنسی:

اشتراوس در تحقیقات خود در حوزه‌ی خشونت از ۹ متغیر نام می‌برد که در جوامع دارای تبعیض وجود دارد و به خشونت و آزار جنسی کمک می‌کند. اولین متغیر در دیدگاه او، دفاع جامعه از اقتدار مردانه است و اعمال خشونت از سوی آنان به‌عنوان «نمایش مردانگی» در نظر گرفته می‌شود (اعزازی، ۱۳۸۱: ۷۱-۷۰). آزار جنسی شکلی از خشونت یا تهدید است که زنان را در موقعیت خود نگه می‌دارد و آنان را به‌علت مبارزه‌طلبی با سلطه‌ی مردان در جامعه تنبیه می‌کنند (والبی، ۱۹۸۸؛ به نقل از نواح، ۲۰۰۸). مردسالاری و نابرابری جنسیتی نهادینه‌شده می‌تواند این باور و نگرش را تقویت کند که زنان مقصران اصلی وقوع آزار جنسی هستند و بدین ترتیب از مردان سلب مسئولیت شود.

نرگس، ۲۴ ساله، مجرد، کارمند بخش خصوصی می‌گوید:

«توی فرهنگ ما این‌طور جا افتاده که دلیلی نداره مرد خودشو بیوشونه یا مواظب رفتاراش باشه.

هیچ محدودیتی برای مردان وجود نداره و دلیلی وجود نداره که رفتارشون رو کنترل کنن.

متأسفانه این یه فرهنگه که توی جامعه‌ی ما وجود داره».

نقش زنان در بروز آزار جنسی:

بنا بر یافته‌های تحقیق، به نظر می‌رسد که زنان نسبت به تأثیر نقش خود در بازدارندگی یا عدم بازدارندگی آزارهای جنسی واقف هستند. زنان با تأکید بر پوشش و نوع رفتارها، نقش خود را در وقوع آزارهای جنسی تبیین می‌کنند:

پوشش: ۱۲ نفر از پاسخ‌گویان معتقدند که پوشش نامناسب زمینه‌ی بروز چنین رفتاری را فراهم می‌کند. پوشش نامناسب موجب می‌شود که جنس مذکر راحت‌تر حریم آنان را بشکند و موجب جلب نظر دیگران می‌شود. اگرچه زنان نوع پوشش و نحوه‌ی آرایش را در قربانی شدن خود مؤثر می‌دانند و نسبت به این امر در میان آن‌ها توافق کلی وجود دارد، اما عده‌ای معتقدند که گاهی با پوشش مناسب نیز مورد آزار واقع شده‌اند.

فاطمه، ۳۰ ساله و کارمند بخش خصوصی می‌گوید:

«صدرصد، توشرکت ما مقنعه می‌گذاریم، تو مانتو پوشیدن هم محدودیت داریم؛ رنگ جیغ یا خیلی تنگ نباید باشد».

مرضیه ۲۳ ساله، متأهل و کارمند بخش خصوصی می‌گوید:

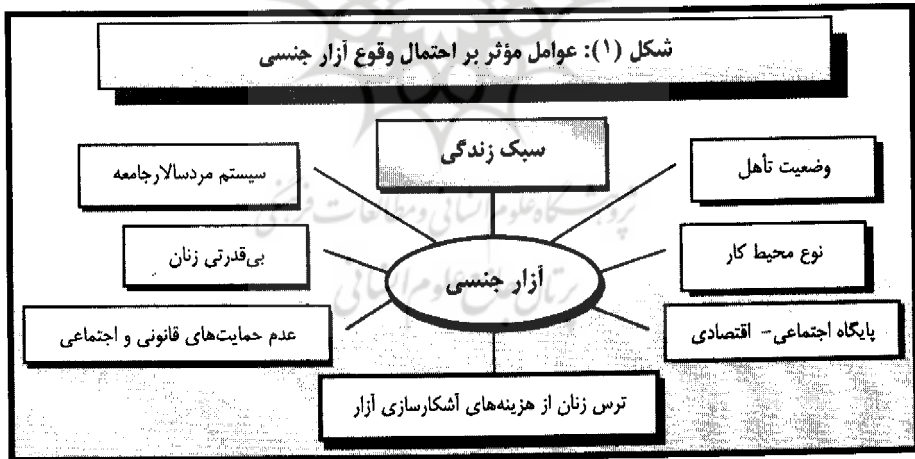
«درمورد من پوشش تأثیر نداشته، شاید برای دیگران داشته. وقتی به من که ساده‌ترم گیر می‌دن، اونی که آرایش و پوشش بد داره معلومه اوضاعش چه‌طوری می‌شه».

رفتار: همه‌ی پاسخ‌گویان بر این نظر اجماع دارند که رفتار نامناسب زنان می‌تواند در شکل‌گیری آزارهای جنسی مؤثر باشد.

سعیده ۲۳ ساله، مجرد و منشی بخش خصوصی می‌گوید:

«هرچی در برخورد شوخی نکنی و سرسنگین باشی، اون‌ها کاری نمی‌کنن».

با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌توان عوامل مؤثر بر احتمال وقوع آزار جنسی را به‌صورت زیر ترسیم کرد و با توجه به تعداد محدود مصاحبه‌های انجام‌شده، عوامل پیشنهادی صرفاً جنبه‌ی فرضی و پیشنهادی دارد و در یک کار تحقیقی وسیع‌تر، قابل مطالعه می‌باشد.



پیامدهای آزار جنسی برای زنان:

آزار جنسی ممکن است در هر مجموعه‌ی کاری ظاهر شود و بر تصور زنان نسبت به کار کردن خود به‌شدت تأثیر بگذارد. در یک متن غیرحمایتی، زنانی که آزار جنسی را تجربه می‌کنند ممکن است احساس

گناه، ترس و بی‌یاوری کنند. ترس از آزارهای جنسی می‌تواند زمینه‌ی انزوا و محدودسازی زنان را فراهم کند. زنانی که آزارهای جنسی را تجربه کرده‌اند گاهی دچار اختلال در رفتارهای اجتماعی می‌شوند. «ترس از آزار جنسی یکی از منابع عمده‌ی استرس‌های زندگی در محیط‌های کاری است که پیامدهای منفی بر سلامت روانی و فیزیکی افراد برجای می‌گذارد» (کاراسک و تتورل^{۲۴}، ۱۹۹۰؛ به نقل از شنون: ۱۱۷۸).

از دیگر پیامدهای آزار جنسی، ایجاد بدبینی و سوءظن و نگرش منفی نسبت به جامعه و محیط‌های کاری در زنان است. آن‌ها حتی در زندگی روزمره‌شان با اختلال مواجه می‌شوند و جبران آسیب‌ها و مشکلات وارده به قربانیان به راحتی از ذهن آنان پاک نخواهد شد.

ویژگی‌های مجرمان آزارهای جنسی از دیدگاه زنان:

ویژگی فردی و ظاهری مجرمان: بر اساس گزارش زنان، آزاردهندگان عمدتاً مردان متأهل با پایگاه اجتماعی و اقتصادی بالا هستند. بر طبق اظهارات زنان آزاردیده، ۱۱ نفر از مجرمان متأهل و دارای فرزند و یکی از آن‌ها مرد مطلقه بوده است. ۱۰ نفر از قربانیان اذعان داشته‌اند که از طرف رئیس خود و دو نفر توسط هم‌کاران هم‌رتبه‌ی خود مورد آزار واقع شده‌اند. طیف سنی مجرمان بین ۳۸ تا ۶۸ سال قرار دارد که به مراتب از زنان قربانی مسن‌تر به نظر می‌رسند.

ویژگی‌های رفتاری مجرمان از دید پاسخ‌گویان؛ خودکنترلی پایین: همان‌طور که هرشی و گات فردسون^{۲۵} می‌گویند، خودکنترلی سطح پایین، در کنار عواملی دیگر هم‌چون عدم تعلق اجتماعی، عدم تعهد و باور نسبت به هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، می‌تواند فرد را به سمت کج‌روی سوق دهد (سلیمی و داوری: ۴۴۸). زنان پاسخ‌گو بر این باورند که ضعف در اعتقادات، عدم خویشتن‌داری و عدم وفاداری نسبت به خانواده از عواملی است که آزاردهنده را به سوی رفتار کج‌روانه فرا می‌خواند.

گیتی ۳۲ ساله، متأهل و خبرنگار می‌گوید:

«دین و مذهب خیلی تأثیر داره. کسی که معتقد به دینشه، به سری مسائل رو رعایت می‌کنه و هیچ‌وقت سراغ سوءاستفاده از زن‌ها نمیره. این مسئله به خانواده‌ی فرد هم برمی‌گرده، اگر پدر و مادر به زندگی‌شون پای‌بند باشن، بچه‌ها هم همین کارو می‌کنن.»

²⁴ . Karasek & Theorel

²⁵ . Hersehi & Goatfredson

تنوع طلبی و عدم ارضای نیازهای مجرمان در خانواده: در نظر پاسخ‌گویان، یکی دیگر از ویژگی‌های مجرمان، تنوع طلبی آن‌ها است. پاسخ‌گویان معتقدند که مجرمان برای جبران خلأهای عاطفی و نیازهای جنسی خود، در صدد برآورده کردن آن‌ها در محیط کار و سوءاستفاده از هم‌کاران خود برمی‌آیند. آن‌ها با بیان مشکلات خانوادگی خود سعی می‌کنند که زشتی عمل خود را بیوشانند. در همین زمینه، سایکس و ماتزا معتقدند که مجرمان رفتار خود را در قالبی هم‌سو با ارزش‌ها و هنجارهای مرسوم توجیه می‌کنند تا پیامدهای عاطفی و واکنش اجتماع را خنثی کنند و از زشتی آن بکاهد (سلیمی و داوری: ۴۳۲).

نازنین ۲۳ ساله، متأهل و حسابدار، می‌گوید:

«آقایانی که می‌خوان رابطه برقرارکنن این‌طور شروع می‌کنن که من از خانمم خوشم نمیاد و ازش راضی نیستم. اونا شروع به درد دل می‌کنن و از مشکلاتشون می‌گن.»

ناکارآمدی دستگاه حقوقی در مجازات مجرمان:

اگرچه مطابق با قانون، آزار جنسی منع و مجازاتی سنگین برای آن پیش‌بینی شده است، اما زنان معمولاً به سیستم‌های کیفری اعتماد ندارند و آن‌را نمادی مردسالارانه می‌دانند (صادقی، ۱۳۸۶).

برای زنان معمولاً دشوار است که در مورد آزارهای جنسی یا خشونت علیه خود حرف بزنند زیرا می‌ترسند که به ضرر و سرزنش خودشان بیانجامد. تجربه‌ی زیسته‌ی زنان حاکی از آن است که هرگاه راجع به آزارهای جنسی علیه خود حرف زده‌اند، طرد، بی‌اعتبار و سرزنش و متهم به کج‌فهمی شده‌اند. از این رو بسیاری از زنان در مقابل آزارهای جنسی با استراتژی‌های فردی برخورد می‌کنند و در مقابل آن سکوت و خودسرزندی را پیش می‌گیرند و معمولاً فرار را بر قرار ترجیح می‌دهند.

نتیجه‌گیری

زنان شاغل همواره در معرض آزارهای جنسی بوده‌اند، اما از سال‌های ۱۹۷۰ به بعد، موضوع آزارجنسی به‌عنوان یک مسئله‌ی اجتماعی مورد توجه پژوهش‌گران قرار گرفت.

عده‌ای بر این باورند که موضوع آزار جنسی فقط تعداد کمی از زنان را در بر می‌گیرد. وجود چنین تصویری این امر را برای زنان دشوار می‌سازد تا در مورد آزار جنسی سخن بگویند زیرا ممکن است این امر به ضرر و سرزنش آن‌ها بیانجامد. معمولاً زنان هنگامی که در خصوص آزارهای جنسی علیه خود لب به

سخن گشوده‌اند، طرد، بی‌اعتبار، منزوی و متهم به کج‌فهمی شده‌اند. علی‌رغم وجود این ابهامات، تحقیقات حاکی از شیوع این پدیده در محیط‌های کاری است (بیرن و مسرسمید^{۲۶}، ۱۹۹۵؛ اندرسون، ۱۹۹۸).

بر اساس یافته‌های این تحقیق، تجربه‌ی آزار جنسی در زمینه‌ای رخ می‌دهد که مناسبات قدرت میان زنان و مردان به‌شدت نامساوی است. همه‌ی پاسخ‌گویان بر این نظر اجماع دارند که آزار جنسی در محیط کار از سوی مردانی اعمال می‌شود که به لحاظ منزلتی و اجتماعی بالاتر از زنان قربانی هستند. نابرابری در قدرت، آزار جنسی را تسهیل می‌کند و تحت‌الشعاع قرار می‌دهد (ریسکن و پاداویک، ۱۹۹۴؛ به نقل از نواح، ۲۰۰۸). زنان علت آزارهای جنسی علیه خود را در عوامل ساختی، اجتماعی، فرهنگی و نهادی جست‌وجو می‌کنند و آن‌را نمودی از نابرابری جنسیتی و قدرت مردانه می‌دانند. از طرفی، به این مسئله نیز اشاره دارند که سبک زندگی آن‌ها می‌تواند در وقوع یا بازدارندگی آزارهای جنسی علیه آن‌ها مؤثر واقع شود. البته رابطه‌ی سبک زندگی و تأثیر آن بر وقوع آزارهای جنسی بر اساس درجه‌ی مقصر بودن زنان تبیین نمی‌شود، بلکه این باور در میان پاسخ‌گویان وجود دارد که سبک زندگی می‌تواند از زنان، قربانیانی مساعد بسازد که آنان را آماج آزارهای جنسی قرار می‌دهد. اگرچه چنین برداشتی ممکن است مورد نقد فمینیستی واقع شود، اما به‌ر حال مصاحبه‌های عمیق آشکار ساخت که در نظر زنان، خطر قربانی شدن علاوه بر عوامل ساختی - اجتماعی، به عواملی چون سن، الگوی فعالیت‌های روزمره، سبک زندگی و نحوه‌ی پوشش و رفتار بستگی دارد.

۴۰ درصد از زنان پاسخ‌گو در این تحقیق اظهار داشته‌اند که مورد آزار جنسی واقع شده‌اند. بیشترین آزارهای درک شده توسط زنان به صورت آزارهای کلامی است و آزارهای فیزیکی و پیشروی‌های جنسی درمواقع معدودی اتفاق می‌افتد. تجربه‌ی آزار جنسی با توجه به محیط‌هایی که زنان در آن کار می‌کنند، متفاوت است. برای مثال؛ زنان شاغل در بخش خصوصی بیشتر از زنان شاغل در بخش عمومی آزارهای جنسی را گزارش کرده‌اند و شاید بتوان گفت که یکی از عوامل مؤثر بر این رابطه، فقدان نظارت صحیح بر بخش خصوصی است. به‌علاوه، نیاز مبرم زنان به کار در این بخش، گاهی آنان را در موضع استیصال قرار می‌دهد و بر آسیب‌پذیری آنان می‌افزاید. در بخش خصوصی آزار جنسی به این صورت ظاهر می‌شود که اگر زنان با خواسته‌های مردان - که غالباً در منزلت اجتماعی و اقتصادی و شغلی بالاتری قرار دارند - همراهی نکنند، کار خود را از دست می‌دهند. به‌عبارتی؛ اجبارهای بین شغلی دربرگیرنده‌ی تهدیدهای اقتصادی است.

²⁶. Beirne & Messersehmid

آزار جنسی به متغیرهایی مثل درآمد، سن، وضعیت تأهل، نوع شغل تحصیلات و منزلت اجتماعی بستگی دارد. نتایج تحقیق آشکار ساخت که زنان جوان و مجرد با تحصیلات پایین که در مرتبه‌های شغلی پایین‌تری قرار دارند بیشتر از زنان مسن و متأهل و تحصیل کرده که در مرتبه‌های شغلی بالاتری قرار دارند، مورد آزارهای جنسی قرار می‌گیرند.

پاسخ‌گویان معتقدند که مجرمان آزار جنسی، افرادی متأهل با پایگاه اجتماعی - اقتصادی بالا هستند. بیشتر پاسخ‌گویان دلایل آزار جنسی از سوی مردان را عدم خویشتنداری و پایبند نبودن به اعتقادات و باورها، تنوع‌طلبی و مشکلات خانوادگی آنان می‌دانند. علاوه بر این، مردان به‌منظور توجیه رفتار خود و خنثی‌سازی آن از استراتژی متفاوتی استفاده می‌کنند تا از زشتی عمل خود بکاهند. از این روش‌ها؛ بیان مشکلات خانوادگی، بیان نارضایتی از زندگی و عدم ارضای نیازهای‌شان است.

تأثیر آزارهای جنسی بر زنان بسیار جدی است. اکثر زنان استرس‌های عاطفی مانند بی‌قراری، اضطراب، ترس و بی‌خوابی را گزارش کردند و بیشتر آنان گفته‌اند که بعد از تجربه‌ی آزار جنسی، قادر به انجام وظایف کاری خود نیستند و حتی بعضی از آن‌ها گزارش کرده‌اند که نیاز مبرم به مشاوره دارند. آزار جنسی نه تنها اعتماد به نفس زنان را زایل می‌کند، بلکه آن‌ها را در موضع بی‌قدرتی و استیصال قرار می‌دهد.

اگرچه مطابق با قانون، آزار جنسی به شدت منع شده است و مجازات سنگینی را در پی دارد، اما زنان معمولاً به سیستم‌های کیفری اعتمادی ندارند و آن‌را نمادی مردسالارانه می‌دانند. از این رو، زنان در مواجهه با آزارهای جنسی معمولاً شیوه‌هایی چون سکوت، انزوا، کناره‌گیری از کار و خودسرزندی را در پیش می‌گیرند، اما به نظر می‌رسد که فرهنگ زنان در محیط کار می‌تواند اساسی را برای سازمان سیاسی، مقاومت در مقابل سرکوب و ایجاد همبستگی در میان آن‌ها فراهم سازد. زنان با ایجاد هنجارهای غیررسمی و ایجاد یک سپر مستقل و دائمی زنانه می‌توانند در مقابل فرهنگ مسلط مردانه در سازمان‌ها مقاومت کنند. به عبارتی؛ گروه‌های فاقد قدرت چون زنان می‌توانند به‌طور دسته جمعی موقعیت‌های خود را تعریف و از مناسبات غیررسمی استفاده کنند تا با بی‌قدرتی کنار بیایند و در مقابل آزار جنسی مقاومت نمایند و شرایط را به نفع خود بچرخانند.

منابع

Aghababaei Ismail & Shalhaf Alireza (2003) "Feminism and feminist knowledge translation and criticism of some philosophical Encyclopedia articles Rvtylj" Qom, Dftrmtalat and women's studies.

- Anderson, M** (1997) "Thinking about women, sociological perspective on sex and gender, Allyn and Bacon
- Azam Azadeh&Dehghanfard** (2006) "Violence against women in Tehran," Journal of Women, Serial Number 14 pp 179-159
- Azazy Shahla** (2002) "Community Structure and violence against women", Journal of Social Welfare, No. 14, pp 84-47.
- Beirne, P and Messersehmidt, J** (1995) Criminology Harcourt Brace.
- Bostan (Najafi) Hussein** (2003) "sexual oppression, Printing, Qom, Research Institute and the University area.
- Canadice A.Shannon, Kathleen M. Rospenda, Judith .A Richman** (2006), "Workplace harassment patterning, gender, and utilization of professional services: Finding from a us national study", university of Illinois at Chicago, pp1178-1191.
- Carothers, S .e, and P.Crull,** (1984) " Contrasting sexual harassment in female and male- dominated occupations, pp, edited by Karen B. Sacker and Dorothy Remy, New Brunckwick, NJ: Rutgers university press.
- Dosti, Ali and Sayadifar, Masumeh** (2006) "sexual harassment in the workplace - a fact Black, Etemad magazine, publication number 159
- Dvbvar, Simon** (2003) "The Second Sex", Fifth, translations Shvy Ghasem, Tehran, Toos Publications.
- Ellen Bravo and Ellen Cassedy** (1992) The 9 to 5 guid to combating Sexuall Harrassment. Copy right by John Wiley & Sons/ INC. Reprinted by permission: pp 62-69.
- Eshaghi Mohammad** (2003) "sexual harassment in a legal review", Journal of Strategic Studies, Women, No. 20, p. 173
- Fmch Marlin** (1994) "War Against Women", translated Turan Dokht Tamadon (Maliki), Tehran, Scientific Publications.
- Ghazi Tabatabai and others** (2003) "National Plan reviews the phenomenon of domestic violence against women," Social Affairs Department of the Interior and President Center for Women's Participation.
- Glaser, R.D and J.S Thorpe** (1986) " Unethical intimacy " American psychologist, 41 (January): pp 43-51.
- Giddens, Anthony** (1999) "Sociology," translated Mnvchehr sabvry, Tehran, Nshr ney.
- Ismailinasab** (2007) "women harassment in the workplace", Journal of wisdom dawn, Number 2.
- Kaufman, S. and M.L.Wylie** (1983) "One session workshop on sexual harassment, journal at the national association for women deans, Adminstrators, and counselors 46 (winter): pp 39- 42.

- Mansfield, P. Bartalow, J. Hendorson, J. Vicary. M. E. Young** (1991) "The job climate for women in traditionally male blue-caller occupation sex roles 25(July): pp :63-79.
- Marshall, Catherine and Grchn B, Ross man** (1998) "Qualitative research methods" translation Parsayyan Ali and Arabi Mohamad, Tehran, Office of Cultural Research.
- Martin, Susan Erhlich** (1989) "Sexual harassment: the link joining gender stratification, sexuality and women's economic status, pp ; 57-86 in women: A feminist perspective, 3rd edited by Jo Freeman. Paloalto, CA: Mayfield publishing co.
- Mir-Hosseini, Z.** (2008) "Fear of crime among women in Tehran" MA thesis, Faculty of Social Sciences, Tehran University.
- Noah Yusuf** (2008) "Experience of sexual harassment at work by female employee in Nigerian work environment", university of Ilorin, publisher: international NGO journal, Vol.3 (7) pp 122-127.
- Rytzr, George** (1999) "contemporary theory in sociology, translated Solasi Mohsen, Tehran, Scientific Publications.
- Sadeghi, Soheila** (2007) "approach of victimiology» Community Newsletter Sociology at Tehran university publication print sociology.
- Sadeghi, Soheila** (2008) "Imagine women to violence" part of the Tehran University Population and Development Project.
- Sadeghi, Soheila** (1996) "Wemen and crime in Irans unpublished PHD thesis, Manchester university.
- Salimi, Ali and Davari, M.** (2006) "Sociology deviate", second edition, Qom, Research Institute and the University area.
- Silverman.D** (2000) Doing Qualitative Research: Apractical Hand book. Sage.
- Taj Mohammadi, Parvin** (2008) "review of sexual harassment in the workplace" Nasir Bushehr site weekly, <http://www.Nasir boshehr.com>, (November 2008).